

توسعه فردی و تحول سازمانی

ارائه مدل کارآفرینی اجتماعی برای تدوین سیاست‌های تامین معیشت و اشتغال‌زایی همسران کارکنان نیروی انتظامی با رویکرد تحلیل مضمون

کوثر علی پور^۱، مجید فتاحی^{۲*}، محمد صالحی^۳

شیوه استناددهی: محمدی زائر، سارا، انجم شعاع، زهرا،

سلاجقه، سنجر، نظری، اکبر، و پور رشیدی، رستم. (۱۴۰۴).

ارائه مدل کارآفرینی اجتماعی برای تدوین سیاست‌های تامین

معیشت و اشتغال‌زایی همسران کارکنان نیروی انتظامی با

رویکرد تحلیل مضمون. توسعه فردی و تحول سازمانی،

۳(۳)، ۱۴-۱.

۱. گروه کارآفرینی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران

۲. گروه مدیریت بازرگانی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران

۳. گروه مدیریت آموزشی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: Majid.fattahi@iausari.ac.ir

چکیده

هدف این پژوهش ارائه مدل کارآفرینی اجتماعی برای تدوین سیاست‌های تامین معیشت و اشتغال‌زایی همسران کارکنان نیروی انتظامی است. این پژوهش برحسب نحوه گردآوری داده‌ها، توصیفی-تحلیلی می‌باشد و همچنین از نظر رویکرد پژوهش استقرایی-قیاسی می‌باشد. مشارکت کنندگان در روش کیفی تحلیل تم براون و کلارک (۲۰۰۶) از طریق مصاحبه با ۱۸ نفر از متخصصان و صاحب نظران خبره دانشگاهی و مدیران سازمان نیروی انتظامی و متولیان اشتغال زایی به صورت هدفمند آن قدر ادامه پیدا نمود تا به ۱۶ نفر اشیاع نظری حاصل گردید. با استفاده از مطالعه اسنادی (مطالعه کتاب‌ها، مقالات و تحقیقات مرتبط) سوالات اولیه مصاحبه شکل گرفت. پژوهشگر قبل از اجرای هر مصاحبه، ابتدا برای مصاحبه شوندگان توضیحاتی پیرامون موضوع و هدف پژوهش ارائه کرد و سپس از آن‌ها خواست تا به سوالات مصاحبه پاسخ دهند. لازم به ذکر است که پژوهشگر با ادای احترام، از آن‌ها خواست که زمان مورد توجه برای مصاحبه را خود شان تعیین کنند تا با فراغت کامل بتوانند پاسخگوی مصاحبه‌ها باشند. همچنین پژوهشگر با استفاده از ضبط صوت و یادداشت، کلیه مصاحبه‌ها را دریافت و مورد استفاده قرار داد. بعد از فراهم کردن متن نوشتاری جواب‌های مشارکت کنندگان، روند بررسی محتوای آشکار و پنهان اطلاعات گردآوری شده از بیانات و نوشته‌ها شروع شد. هدف این فرایند استخراج مولفه‌های مدل کارآفرینی اجتماعی برای تدوین سیاست‌های تامین معیشت و اشتغال‌زایی همسران کارکنان نیروی انتظامی با رویکرد کیفی تحلیل تم بود. تحلیل متن مصاحبه‌ها از طریق نرم‌افزار مکس کیو دی‌ای استفاده شد. از تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها، جمعاً ۱۷۰ کد اولیه استخراج گردید. پس از تحلیل متن مصاحبه‌ها ۵۱ مضمون پایه و ۱۰ مضمون سازمان‌دهنده استخراج گردید. در مرحله نهایی با بررسی مضامین سازمان دهنده ۵ مضمون فراگیر تحت عنوان نقش روان‌شناختی و اجتماعی، توجه به مهارت‌ها و توانمندی‌های فردی، سیاست‌های حمایتی و دولتی، ایجاد شبکه‌های اجتماعی و حمایتی، استفاده از فناوری و مشاغل آنلاین بدست آمد.

کلیدواژگان: کارآفرینی اجتماعی، تامین معیشت، اشتغال‌زایی، همسران کارکنان، نیروی انتظامی

تاریخ چاپ: ۵ مهر ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۷ تیر ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۷ تیر ۱۴۰۴

تاریخ ارسال: ۵ اردیبهشت ۱۴۰۴

این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت
دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0)



این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت
دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0)
صورت گرفته است.

Personal Development and Organizational Transformation

Proposing a Social Entrepreneurship Model for Formulating Livelihood and Employment Policies for the Spouses of Law Enforcement Personnel: A Thematic Analysis Approach

Kowsar Alipour¹, Majid Fattahi^{2*}, Mohammad Salehi³

1. Department of Entrepreneurship, Sari.C., Islamic Azad University, Sari, Iran
2. Department of Business Management, Sari.C., Islamic Azad University, Sari, Iran
3. Department of Educational Management, Sari.C., Islamic Azad University, Sari, Iran

*Corresponding Author's Email: Majid.fattahi@iausari.ac.ir

How to cite: Alipour, K., Fattahi, M., & Salehi, M. (2025). Proposing a Social Entrepreneurship Model for Formulating Livelihood and Employment Policies for the Spouses of Law Enforcement Personnel: A Thematic Analysis Approach. *Personal Development and Organizational Transformation*, 3(3), 1-14.

Submit Date: 25 April 2025

Revise Date: 28 June 2025

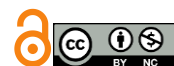
Accept Date: 8 July 2025

Publish Date: 27 September 2025

Abstract

The aim of this study is to propose a social entrepreneurship model for formulating livelihood and employment policies targeting the spouses of law enforcement personnel. Based on the method of data collection, this research is descriptive-analytical, and from a research approach standpoint, it follows an inductive-deductive methodology. Participants in the qualitative phase, utilizing Braun and Clarke's (2006) thematic analysis method, were selected through purposeful sampling. Eighteen experts, including academic scholars, senior managers of the Law Enforcement Command organization, and authorities in charge of employment initiatives, were interviewed until theoretical saturation was achieved at 16 participants. Preliminary interview questions were developed through document analysis (books, articles, and relevant studies). Prior to each interview, the researcher explained the study's topic and objectives to the participants and then asked them to respond to the interview questions. It is noteworthy that the researcher respectfully asked participants to set their preferred time for the interview to ensure they could respond comfortably and without constraints. All interviews were recorded using audio devices and written notes. After preparing the textual transcripts of the participants' responses, the process of analyzing both the explicit and latent content of the collected data from their statements and writings commenced. The objective of this process was to extract the components of the social entrepreneurship model for formulating livelihood and employment policies for the spouses of law enforcement personnel using a qualitative thematic analysis approach. The MAXQDA software was used to analyze the interview texts. Through this analysis, a total of 170 initial codes were extracted. Subsequently, 51 basic themes and 10 organizing themes were identified. In the final stage, through the examination of organizing themes, five overarching themes emerged: psychological and social roles, attention to individual skills and capabilities, supportive and governmental policies, creation of social and support networks, and the use of technology and online employment.

Keywords: *Social Entrepreneurship, Livelihood Security, Employment Generation, Spouses of Personnel, Law Enforcement*



© 2025 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

مقدمه

نیروی انتظامی به عنوان یکی از ارکان امنیت داخلی کشور، با انجام وظایف سخت و پرمخاطره، نقش بنیادینی در تضمین امنیت اجتماعی ایفا می‌کند. اما کارکنان این نهاد اغلب با چالش‌هایی نظیر فشارهای شغلی، مأموریت‌های دور از خانواده، جابجایی‌های مکرر، و محدودیت‌های ساختاری در اشتغال مواجه‌اند که نه تنها بر کیفیت زندگی شخصی آن‌ها اثرگذار است، بلکه به‌طور غیرمستقیم معیشت و فرصت‌های شغلی همسران ایشان را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد (Ghaderzadeh & Bakhshian, 2019; Hashemi, 2022). در چنین شرایطی، همسران این کارکنان با محدودیت‌های جدی در دسترسی به بازار کار، فرصت‌های شغلی پایدار، و ارتقاء فردی روبه‌رو هستند که ضرورت مداخله هدفمند سیاست‌گذاران را در این حوزه نمایان می‌سازد.

یکی از راهکارهای مؤثر و نوآورانه در راستای پاسخ به این نیازها، توسعه کارآفرینی اجتماعی است. کارآفرینی اجتماعی، برخلاف کارآفرینی سنتی که تمرکز آن صرفاً بر سود اقتصادی است، مفهومی چندوجهی و انسان‌محور است که تلاش دارد از طریق نوآوری اجتماعی، خلق ارزش اجتماعی، و توانمندسازی اقشار در حاشیه، به حل مسائل ساختاری و ارتقاء رفاه پایدار کمک کند (Moradzadeh et al., 2024; Rosca et al., 2019; Saebi et al., 2019). این رویکرد به‌ویژه در مورد زنانی که با محدودیت‌های ساختاری مواجه‌اند، نظیر همسران کارکنان نظامی، پتانسیل بالایی برای ایجاد تحول دارد.

کارآفرینی اجتماعی می‌تواند در قالب مشاغل خرد خانگی، کسب‌وکارهای تعاونی، فعالیت‌های مبتنی بر مهارت‌های محلی، و نیز برنامه‌های دیجیتال و مبتنی بر فناوری اطلاعات شکل بگیرد. این نوع از کارآفرینی نه تنها به تأمین درآمد مستقل برای زنان می‌انجامد، بلکه موجب ارتقاء سرمایه اجتماعی، افزایش عزت‌نفس، و تحکیم نقش زنان در ساختارهای خانوادگی و اجتماعی نیز می‌شود (Agarwal et al., 2020; Chatterjee et al., 2022; Stahl et al., 2023). به‌ویژه، توجه به رویکردهای عدالت‌محور در توسعه کارآفرینی زنان، همچون آنچه در مطالعات (Karimi et al., 2023) و (Fernandes & Pires, 2023) دیده می‌شود، می‌تواند گامی جدی در راستای کاهش نابرابری‌های ساختاری باشد.

با وجود آنکه طی دهه اخیر، پژوهش‌های مختلفی در زمینه کارآفرینی اجتماعی و زنان انجام شده است، اما اغلب این پژوهش‌ها به گروه‌های عمومی زنان پرداخته‌اند و شرایط خاص همسران کارکنان نیروی انتظامی، از جمله جابجایی مکرر، فشارهای شغلی همسران، فرهنگ خاص خانوادگی و محدودیت‌های نهادی را مورد توجه قرار نداده‌اند (Dozandeh Ziabari et al., 2024; Rahimi et al., 2022). افزون بر آن، بسیاری از این مطالعات از پرداختن به ابعاد روان‌شناختی و اجتماعی کارآفرینی در این گروه خاص، و همچنین نقش شبکه‌های اجتماعی و استفاده از فناوری در ارتقاء فرصت‌های اشتغال، غفلت کرده‌اند (Daskalopoulou et al., 2023; Scuotto et al., 2023).

کارآفرینی اجتماعی می‌تواند راهکاری مناسب برای پاسخ‌گویی به محدودیت‌های نهادی همسران کارکنان نیروی انتظامی باشد، چراکه از انعطاف‌پذیری، مشارکت‌محوری و قابلیت انطباق با زمینه‌های محلی برخوردار است. از منظر نظری، مدل‌های موفق کارآفرینی اجتماعی باید دارای ابعاد متعددی باشند؛ از جمله: توانمندسازی روان‌شناختی، حمایت‌های دولتی، توسعه مهارت‌های فردی، بهره‌گیری از فناوری، و ایجاد شبکه‌های هم‌یار (Baker & Weerakoon, 2024; Kalalian Moghadam et al., 2021; Neessen et al., 2021).

در سطح بین‌المللی نیز پژوهش‌هایی چون (De Magdalene, 2024) و (Chatterjee et al., 2021) نشان داده‌اند که توسعه ارزش‌های اجتماعی و عاطفی در مسیر کارآفرینی اجتماعی، نقش مهمی در پایداری فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی دارد. همچنین (Stahl et al.,)

(2023) به اهمیت سرمایه احساسی در شبکه‌های زنان کارآفرین اشاره کرده است؛ مفهومی که در جامعه نظامی، به واسطه فرهنگ غالب مردسالار، از حساسیت و ضرورت بیشتری برخوردار است.

افزون بر این، استفاده از فناوری‌های نوین و توسعه زیرساخت‌های دیجیتال، یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر موفقیت کارآفرینی اجتماعی در گروه‌های خاص است. پژوهش‌های اخیر از جمله (Scuotto et al., 2023) و (Lee et al., 2020) بر این موضوع تأکید داشته‌اند که دسترسی به اینترنت پرسرعت، توسعه پلتفرم‌های دیجیتال و آموزش‌های مجازی می‌تواند شکاف‌های موجود در دسترسی به بازار کار را کاهش داده و فرصت‌های برابر را برای گروه‌های در حاشیه ایجاد کند.

از طرفی، توسعه کارآفرینی اجتماعی مستلزم وجود حمایت‌های نهادی و سیاست‌های دولتی هدفمند است. همان‌طور که در مطالعات (Rosca et al., 2020) و (Palacios-Marqués et al., 2019) مطرح شده، نقش دولت و نهادهای عمومی در طراحی سیاست‌های تسهیلگر، اعطای تسهیلات مالی، آموزش‌های رایگان، و حمایت از بازاریابی محصولات تولیدشده توسط زنان بسیار کلیدی است.

در فضای داخلی، مطالعاتی چون (Ghaderi et al., 2024)، (Fazlipour et al., 2023) و (Karimi et al., 2023) تلاش کرده‌اند تا الگوهایی بومی برای توانمندسازی زنان از طریق کارآفرینی اجتماعی ارائه دهند. اما هنوز خلأ بزرگی در زمینه ارائه مدلی خاص برای همسران کارکنان نیروی انتظامی با در نظر گرفتن شرایط نهادی، روان‌شناختی، اقتصادی و فناورانه آنان وجود دارد. چنین مدلی باید بتواند میان فرصت‌های فناورانه (مشاغل آنلاین، آموزش مجازی)، حمایت‌های ساختاری (مراکز توانمندسازی، وام‌های کم‌بهره) و نیازهای فردی (مهارت، انگیزش، عزت‌نفس) پل بزند و منجر به ارتقاء کیفیت زندگی این قشر شود. از این‌رو، پژوهش حاضر تلاش دارد تا با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون و مصاحبه با صاحب‌نظران حوزه‌های کارآفرینی، جامعه‌شناسی، اشتغال‌زایی، و فرماندهی انتظامی، مدلی جامع و مبتنی بر داده‌های بومی برای کارآفرینی اجتماعی همسران کارکنان نیروی انتظامی ارائه دهد.

روش‌شناسی

در این پژوهش هدف اصلی ارائه یک مدل جامع کارآفرینی اجتماعی برای تدوین سیاست‌های مؤثر در راستای تأمین معیشت و ایجاد اشتغال پایدار برای همسران کارکنان نیروی انتظامی بوده است. این مطالعه از نظر روش‌شناسی در دسته پژوهش‌های توصیفی-تحلیلی و در تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل تم براون و کلارک (۲۰۰۶) بهره گرفته شد. گردآوری داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۱۸ نفر از متخصصان دانشگاهی، مدیران ارشد نیروی انتظامی، و متولیان حوزه اشتغال‌زایی صورت گرفت. این مصاحبه‌ها به صورت هدفمند انتخاب شدند و تا رسیدن به اشباع نظری در مصاحبه ۱۶ ادامه یافتند. پرسش‌های اولیه مصاحبه، با بهره‌گیری از مطالعه منابع کتابخانه‌ای و بررسی اسناد، مقالات علمی و پژوهش‌های مرتبط تدوین شدند. پژوهشگر پیش از شروع هر مصاحبه، هدف و موضوع پژوهش را به تفصیل برای مشارکت‌کنندگان تشریح نمود و برای حفظ راحتی و تمرکز آن‌ها، زمان مصاحبه را با توافق و تعیین خود مشارکت‌کننده تنظیم کرد. تمامی مصاحبه‌ها با رعایت اصول اخلاقی و کسب رضایت مشارکت‌کنندگان، به صورت صوتی ضبط و هم‌زمان یادداشت‌برداری شدند. سپس داده‌های گردآوری‌شده به صورت متنی پیاده‌سازی شدند و فرایند تحلیل محتوای آشکار و پنهان آن‌ها آغاز گردید. این تحلیل با هدف استخراج مؤلفه‌های کلیدی مدل کارآفرینی اجتماعی، با بهره‌گیری از نرم‌افزار تخصصی مکس کیو دی‌ای صورت گرفت. این ابزار به دسته‌بندی و سازماندهی دقیق داده‌های کیفی کمک کرد تا الگوهای پنهان و پیوندهای مفهومی میان آن‌ها شناسایی شود.

یافته‌ها

همان‌طور که جدول ۱ مشاهده می‌شود، از مجموع ۱۸۶ نفر ۱۷ درصد (۳ نفر) زن و ۸۳ درصد (۱۵ نفر) مرد، ۷۲ درصد یعنی (۱۳ نفر) دارای مدرک دکتری و ۲۸ درصد (۵ نفر) دارای مدرک کارشناسی ارشد، ۱۱ درصد (۲ نفر) دارای سابقه ۱ تا ۱۰ سال و ۶۱ درصد (۱۱ نفر) دارای سابقه ۱۱ تا ۲۰ سال و همین‌طور ۲۸ درصد یعنی (۵ نفر) دارای سابقه ۲۱ سال به بالا، ۳۳ درصد (۶ نفر) دارای سن ۳۰ تا ۴۰ سال و ۴۵ درصد (۸ نفر) دارای سن ۴۱ تا ۵۰ سال و ۲۲ درصد (۴ نفر) دارای سن ۵۱ سال به بالا بودند.

جدول ۱. مشخصات مشارکت‌کنندگان در مصاحبه‌ها

کد مصاحبه شونده	سمت مصاحبه شونده	تحصیلات	سابقه کار	سن	جنسیت
۱	عضو هیئت علمی دانشگاه	دکتری	۱۰ سال	۳۶	مرد
۲	عضو هیئت علمی دانشگاه	دکتری	۱۶ سال	۴۸	مرد
۳	کارشناس پایگاه فرهنگی خانواده	کارشناسی ارشد	۲۸ سال	۵۹	مرد
۴	کارشناس ستاد مشاغل خانگی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی	کارشناسی ارشد	۲۶ سال	۵۷	مرد
۵	عضو هیئت علمی دانشگاه	دکتری	۱۵ سال	۴۸	مرد
۶	عضو هیئت علمی دانشگاه	دکتری	۱۰ سال	۴۴	زن
۷	مدیریت امور فرهنگی خانواده کارکنان انتظامی	کارشناسی ارشد	۱۴ سال	۴۵	مرد
۸	عضو هیئت علمی دانشگاه	دکتری	۱۲ سال	۴۳	مرد
۹	معاونت فرهنگی و اجتماعی فراجا	دکتری	۱۸ سال	۴۶	مرد
۱۰	مدیر تحقیق و توسعه و نظارت بنیاد برکت	کارشناسی ارشد	۱۲ سال	۳۶	مرد
۱۱	معاونت علوم، تحقیقات و فناوری فراجا	دکتری	۲۷ سال	۵۵	مرد
۱۲	مدیر واحد آموزش بنیاد توسعه کارآفرینی زنان و جوانان	کارشناسی ارشد	۲۵ سال	۵۳	مرد
۱۳	عضو هیئت علمی دانشگاه	دکتری	۱۳ سال	۳۷	مرد
۱۴	عضو هیئت علمی دانشگاه	دکتری	۱۱ سال	۳۵	مرد
۱۵	عضو هیئت علمی دانشگاه	دکتری	۲۲ سال	۴۸	مرد
۱۶	عضو کارگروه کارآفرینی اجتماعی انجمن ملی زنان کارآفرین	دکتری	۱۵ سال	۳۸	مرد
۱۷	عضو هیئت علمی دانشگاه	دکتری	۱۲ سال	۳۶	زن
۱۸	عضو هیئت علمی دانشگاه	دکتری	۱۷ سال	۴۴	زن

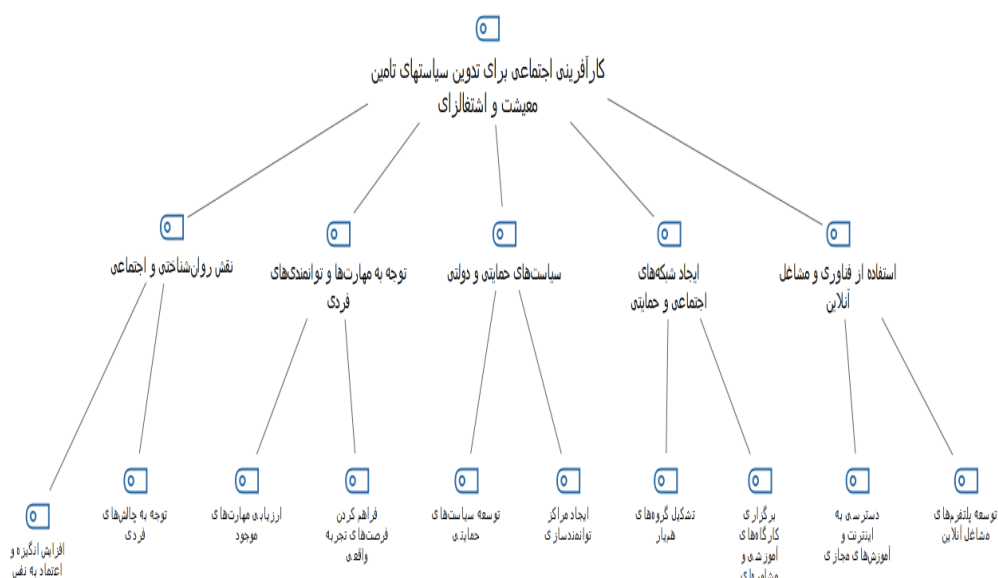
تمام مراحل تحلیل کیفی تم با رویکردی که براون و کلارک (۲۰۰۶) ارائه داده‌اند، در ۶ مرحله انجام شد. در مرحله اول آشنایی با داده‌ها محقق قبل از این که کدگذاری داده‌ها را شروع کند همه مصاحبه‌های ضبط شده را به صورت دست نوشته اول روی کاغذ نوشته و یک بار هم مجدداً مصاحبه را گوش کرده و با دست نوشته مقایسه کرد تا جمله‌ایی از قلم نیافتاده باشد، سپس دست نوشته‌ها را در نرم افزار ورد تایپ نموده و مجدداً یک بار کل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها را خوانده است. مرحله دوم یعنی ایجاد کدهای اولیه زمانی شروع شد که محقق متن مصاحبه‌های تایپ شده در نرم افزار ورد را به نرم افزار مکس کیودی‌ای منتقل کرده و مصاحبه را کدگذاری نمود که در مجموع ۱۷۰ کد اولیه به دست آمد. در این مرحله سوم جستجوی کدهای گزینشی کدهای ناقص یا نامرتب و همچنین کدهای تکراری را کنار گذاشتند تا به تعداد ۵۱ کد گزینشی دست یافتند. در مصاحبه ۱۷ و ۱۸ به دلیل رسیدن به اشباع کدهای جدیدی شناسایی نشد. همچنین در مرحله بعد محقق با تجمیع کدهای گزینشی در گستره‌های معنایی وسیع‌تر به تم‌های فرعی و اصلی می‌رسد؛ که ۱۰ تم فرعی نیز شناسایی شد. مرحله پنجم زمانی شروع می‌شود که یک تصویر رضایت بخش از تم‌های فرعی وجود داشته باشد. در این تحقیق، تعریف و نام گذاری تم‌های اصلی و تهیه گزارش تحلیل تم بر مبنای تقسیم تم‌ها در شبکه مضامین، به تم‌های پایه، سازمان دهنده و فراگیر انجام شده است. در جدول ۲ و شکل

۱ (خروجی نرم افزار مکس کیودا) تم‌های فرعی استخراج شده که تم‌های سازمان دهنده هم نامیده می‌شوند به ۵ مضامین فراگیر تحت عنوان نقش روان‌شناختی و اجتماعی، توجه به مهارت‌ها و توانمندی‌های فردی، سیاست‌های حمایتی و دولتی، ایجاد شبکه‌های اجتماعی و حمایتی، استفاده از فناوری و مشاغل آنلاین دسته بندی و ارائه شدند.

جدول ۲. مضامین پایه، سازمان دهنده و فراگیر استخراج شده از مصاحبه ها

مضمون فراگیر	تم‌های فرعی	تم پایه
نقش روان‌شناختی و اجتماعی	افزایش انگیزه و اعتماد به نفس	تقویت احساس موفقیت از طریق انگیزه دادن برای یادگیری اعطای گواهینامه‌های شایستگی جشنواره‌های تقدیر از موفقیت‌ها برگزاری رویدادهای اجتماعی حضور کارآفرینان موفق به عنوان الگو اندازه‌گیری احساس تعلق و مشارکت در جامعه ارزیابی میزان استرس و اضطراب در زندگی روزمره بررسی چگونگی درک همسران از دیدگاه خود نسبت به توانایی‌ها و موفقیت‌ها میزان درآمد و استقلال مالی همسران بررسی پذیرش هویت اجتماعی ارزیابی احساس قدرت و تأثیرگذاری همسران در زندگی شخصی و اجتماعی
توجه به مهارت‌ها و توانمندی‌های فردی	ارزیابی مهارت‌های موجود	شناسایی نیازهای کلیدی تمرکز بر مهارت‌های مشخص سازماندهی کارگاه‌های علاقه‌سنجی طراحی پرسشنامه‌های جامع طراحی مسیرهای شغلی ارزیابی منظم پیشرفت تجربه در پروژه‌های اجتماعی ایجاد بازارچه‌های محلی برپایی نمایشگاه‌های کارآفرینی فراهم کردن موقعیت‌های رسانه‌ای ایجاد سناریوهای شبیه‌سازی شده در محیط‌های کنترل شده مشارکت با نهادهای علمی و دانشگاهی دسترسی به مشاوره‌ها و منتورهای تخصصی حمایت‌های مالی و اعتباری مستقیم معافیت‌های مالیاتی و تسهیلات بیمه‌ای تسهیلات برای دسترسی به بازارهای محلی تعیین اهداف کلی و جزئی برای مراکز توانمندسازی جلب حمایت مدیریت نیروی انتظامی و سایر نهادهای دولتی برای تأسیس مراکز همکاری با سازمان‌ها و بنیادهای خیریه و اجتماعی تأمین منابع فنی و انسانی با تجربه در زمینه کارآفرینی اجتماعی ارائه خدمات مشاوره‌ای به همسران در زمینه برنامه‌ریزی کسب‌وکار کمک به فروش محصولات ایجاد گروه‌های آنلاین پلتفرم‌های آموزشگاه مجازی برگزاری همایش‌ها و کارگاه‌های حضوری در مکان‌های مناسب توجه به قضاوت‌های اجتماعی شناسایی نیازها و علایق همسران کارکنان نیروی انتظامی
سیاست‌های حمایتی و دولتی	توسعه سیاست‌های حمایتی	
ایجاد شبکه‌های اجتماعی و حمایتی	تشکیل گروه‌های هم‌یار	ایجاد مراکز توانمندسازی
برگزاری کارگاه‌های آموزشی و مشاوره‌ای		

مشاوره با متخصصان	
انتخاب موضوعات متنوع از جمله اصول کارآفرینی، مدیریت مالی	
همکاری با مدرسان و مشاوران با تجربه در زمینه کارآفرینی اجتماعی	
توسعه اینترنت پر سرعت	استفاده از فناوری و مشاغل
ارائه دوره‌های رایگان یا کم هزینه	دسترسی به اینترنت و آموزش‌های مجازی
محتوای آموزشی به زبان فارسی	آنلاین
آموزش‌های کارآفرینی آنلاین	
ایجاد گروه‌های حمایت کننده	
بررسی نیازهای شغلی	توسعه پلتفرم‌های مشاغل آنلاین
تحلیل فرصت‌های موجود	
توسعه نرم‌افزار و وب سایت	
توجه به امنیت و حریم خصوصی	
پیگیری روندهای جدید بازار	



شکل ۱. مدل کارآفرینی اجتماعی برای تدوین سیاست‌های تامین معیشت و اشتغالزایی همسران کارکنان نیروی انتظامی مستخرج از نرم افزار

مکس کیو دی ای

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی این پژوهش، طراحی مدل کارآفرینی اجتماعی برای تدوین سیاست‌های معیشتی و اشتغالزایی همسران کارکنان نیروی انتظامی بر اساس رویکرد تحلیل مضمون بود. یافته‌های کیفی حاصل از تحلیل مصاحبه‌ها، به استخراج ۱۷۰ کد اولیه، ۵۱ مضمون پایه، ۱۰ مضمون سازمان‌دهنده و در نهایت ۵ مضمون فراگیر منجر شد. این مضامین شامل نقش روان‌شناختی و اجتماعی، توجه به مهارت‌ها و توانمندی‌های فردی، سیاست‌های حمایتی و دولتی، ایجاد شبکه‌های اجتماعی و حمایتی، و استفاده از فناوری و مشاغل آنلاین بودند. در ادامه، نتایج هر یک از این ابعاد با پژوهش‌های پیشین تطبیق داده شده و تبیین نظری آن ارائه می‌شود.

یافته‌ها نشان داد که احساس خودکارآمدی، افزایش انگیزه، تقویت عزت نفس، و تعلق اجتماعی نقش مهمی در مشارکت زنان در فعالیت‌های کارآفرینانه دارد. این یافته‌ها با نتایج پژوهش (Stahl et al., 2023) هم‌راستا است که بر نقش «سرمایه احساسی» در شبکه‌های زنانه و اثر آن بر تاب‌آوری کارآفرینان تأکید دارد. همچنین، یافته‌ها نشان داد که ارتقاء احساس معنا در زندگی، از طریق شرکت در فعالیت‌های اجتماعی و گروهی، موجب افزایش مشارکت اقتصادی می‌شود؛ موضوعی که در مطالعات (Chatterjee et al., 2021) نیز با تمرکز بر کار ارزش‌مدار در کارآفرینی اجتماعی بررسی شده است.

در همین راستا، نظریه خودتعیین‌گری نیز مؤید آن است که برآورده شدن نیازهای روان‌شناختی (خودمختاری، شایستگی و ارتباط اجتماعی) موجب افزایش انگیزش درونی برای مشارکت در فعالیت‌های هدفمند می‌شود (De Magdalene, 2024). بنابراین، ایجاد برنامه‌هایی که از طریق آموزش، تقدیر از موفقیت‌ها، و معرفی الگوهای زن موفق منجر به ارتقاء این نیازها شود، می‌تواند نقش روانی مؤثری در مشارکت کارآفرینانه همسران کارکنان ایفا کند.

در بُعد دوم مدل، شناسایی مهارت‌های قابل ارتقاء، آموزش‌های هدفمند، و فراهم‌سازی موقعیت‌های تجربه واقعی از الزامات اساسی در فرآیند توانمندسازی زنان نظامی معرفی شدند. این موضوع با مطالعات (Agarwal et al., 2020) مطابقت دارد که بر ضرورت طراحی چارچوبی جامع برای توسعه شایستگی‌های زنان کارآفرین تأکید دارد. همچنین یافته‌ها نشان داد که طراحی مسیرهای شغلی باید متناسب با شرایط زندگی متغیر همسران نیروی انتظامی و مبتنی بر بازار کار محلی صورت گیرد؛ امری که در پژوهش (Dozandeh Ziabari et al., 2024) نیز در بستر توسعه گردشگری روستایی به عنوان کارآفرینی بومی پیشنهاد شده است.

نتایج همچنین با یافته‌های (Karimi et al., 2023) هم‌راستا است که تأکید دارد موفقیت کارآفرینی زنان در گروهی توجه به موقعیت جغرافیایی، فرهنگ کار و مهارت‌های فردی است. در این راستا، مشارکت در پروژه‌های اجتماعی، برپایی بازارچه‌های محلی، و نمایشگاه‌های مهارتی می‌تواند بستری برای آزمون عملی توانمندی‌ها فراهم آورد؛ روندی که در پژوهش (Rosca et al., 2020) نیز با تحلیل مقایسه‌ای بازارهای نوظهور مورد تأکید قرار گرفته است.

تحلیل یافته‌ها نشان داد که وجود سیاست‌های حمایتی و هدفمند مانند ارائه مشاوره تخصصی، اعطای تسهیلات مالی و معافیت‌های بیمه‌ای، نقش بسیار مهمی در تسهیل فرایند کارآفرینی اجتماعی ایفا می‌کند. این مسئله با مطالعات (Palacios-Marqués et al., 2019) و (Baker & Weerakoon, 2024) هم‌راستا است که بر نقش واسطه‌ای حمایت‌های نهادی در عملکرد اجتماعی-اقتصادی کارآفرینی تأکید دارند. همچنین، تأسیس مراکز توانمندسازی، در صورتی که اهداف عملیاتی و فرهنگی آن مشخص باشد، می‌تواند به بستری برای ارتقاء مهارت‌ها و کاهش وابستگی اقتصادی زنان تبدیل شود؛ موضوعی که در مدل‌های پیشنهادی (Rahimi et al., 2022) و (Kalalian Moghadam et al., 2021) نیز دیده می‌شود.

مطابق با یافته‌های (Moradzadeh et al., 2024)، همکاری میان دستگاه‌های دولتی، خیریه‌ها، دانشگاه‌ها، و سازمان‌های مردم‌نهاد، نه تنها منجر به تجمع منابع می‌شود، بلکه باعث تقویت سرمایه اجتماعی و ایجاد شبکه‌های حمایتی پایدار می‌گردد. این همکاری، به‌ویژه در جامعه نظامی که از ساختار سلسله‌مراتبی و محدودیت‌های ارتباطی خاصی برخوردار است، می‌تواند نقش کلیدی ایفا کند.

چهارمین بعد مدل به نقش گروه‌های هم‌یار، پلتفرم‌های آموزشی، و فعالیت‌های جمعی در ارتقاء تاب‌آوری اجتماعی و روانی زنان پرداخته است. یافته‌ها نشان داد که ارتباط مستمر از طریق گروه‌های آنلاین، نه تنها به اشتراک‌گذاری تجربه و انتقال دانش کمک می‌کند، بلکه موجب

کاهش احساس انزوا و افزایش اعتماد به نفس می‌شود؛ نتیجه‌ای که با یافته‌های (Stahl et al., 2023) و (Scuotto et al., 2023) همخوانی دارد. افزون بر این، طراحی آموزشگاه‌های مجازی متناسب با نیازهای مخاطبان خاص می‌تواند محتوایی کارآمدتر و قابل فهم‌تر برای زنان هدف ارائه دهد.

مطابق با پژوهش (Daskalopoulou et al., 2023)، شبکه‌های حمایتی نقش مهمی در تولید سرمایه اجتماعی، ارتقاء تاب‌آوری جامعه، و توسعه نهادی ایفا می‌کنند. از این رو، تشکیل گروه‌های تخصصی حول موضوعاتی نظیر بازاریابی دیجیتال، طراحی مدل کسب‌وکار، و مدیریت مالی، می‌تواند موجب شکل‌گیری اجتماعات یادگیرنده مؤثری در میان همسران کارکنان شود.

در نهایت، استفاده از اینترنت پرسرعت، پلتفرم‌های آموزش مجازی، و فرصت‌های شغلی آنلاین یکی از ارکان اصلی مدل نهایی بود. این یافته‌ها با مطالعات (Lee et al., 2020) و (Patnaik & Jha, 2020) مطابقت دارد که به نقش کلیدی برق‌رسانی، اتصال دیجیتال، و کاهش تبعیض در دسترسی به انرژی و اطلاعات برای زنان پرداخته‌اند. همچنین، پلتفرم‌های مشاغل آنلاین که متناسب با مهارت‌های زنان طراحی شده‌اند، فرصت‌های کار در منزل، دورکاری، و اشتغال انعطاف‌پذیر را فراهم می‌کنند (Chambon et al., 2020; Rivna & Gress, 2022).

برگزاری دوره‌های آموزشی رایگان یا کم‌هزینه، به‌ویژه در زمینه مشاغل فناورمحور، می‌تواند شکاف دیجیتالی موجود میان زنان نظامی و دیگر گروه‌های اجتماعی را کاهش دهد. این مسئله با نتایج پژوهش‌های (Scuotto et al., 2023) و (Rosca et al., 2020) نیز هم‌خوانی دارد که استفاده از فناوری را ابزاری برای توانمندسازی زنان در بازارهای نوظهور دانسته‌اند. بر این اساس، فراهم‌سازی زیرساخت‌های ارتباطی، آموزش‌های مهارتی، و تقویت امنیت اطلاعات می‌تواند پیش‌نیاز توسعه پایدار کارآفرینی آنلاین برای زنان باشد.

یکی از مهم‌ترین محدودیت‌های این پژوهش، تمرکز صرف بر داده‌های کیفی و تحلیل مضمون بود که امکان تعمیم نتایج را کاهش می‌دهد. علاوه بر آن، محدود بودن دامنه جغرافیایی مشارکت‌کنندگان به برخی استان‌ها، ممکن است نمایانگر دیدگاه‌های متنوع همه مناطق نباشد. همچنین، عدم مشارکت مستقیم همسران کارکنان در مراحل تحلیل می‌تواند درک عمیق‌تری از تجارب زیسته آنان را محدود کرده باشد. افزون بر این، برخی از مصاحبه‌شوندگان ممکن است تحت تأثیر موقعیت شغلی خود، از بیان کامل دیدگاه‌ها خودداری کرده باشند.

برای پژوهش‌های آینده پیشنهاد می‌شود که با استفاده از روش‌های ترکیبی (کیفی-کمی)، مدل پیشنهادی در سطح وسیع‌تری اعتبارسنجی شود. همچنین، بررسی تجارب زیسته واقعی همسران در مناطق مختلف کشور می‌تواند در شناخت بهتر موانع فرهنگی، جغرافیایی و اجتماعی مؤثر باشد. پژوهش‌های تطبیقی با کشورهای دارای ساختار نظامی مشابه (مانند ترکیه، مصر یا هند) نیز می‌تواند منجر به غنای نظری مدل گردد. استفاده از روش‌های آینده‌پژوهی برای پیش‌بینی نقش فناوری در کارآفرینی زنان در دهه آتی نیز توصیه می‌شود.

مراکز توانمندسازی ویژه همسران کارکنان باید به‌صورت منطقه‌ای و با همکاری نهادهای رسمی راه‌اندازی شوند و خدمات آموزشی، مشاوره‌ای، بازاریابی، و مالی ارائه دهند. همچنین، طراحی بسته‌های اینترنت یارانه‌ای، پلتفرم‌های آموزش آنلاین، و سامانه‌های مشاغل خانگی متناسب با مهارت‌های بومی ضروری است. همکاری سه‌جانبه میان دولت، دانشگاه و بخش خصوصی برای حمایت از استارت‌آپ‌های کوچک زنان و تخصیص وام‌های کم‌بهره، باید در اولویت سیاست‌گذاران باشد. طراحی جشنواره‌های سالانه برای معرفی زنان موفق و ایجاد گروه‌های هم‌یار در سطح محلی نیز به ایجاد انگیزه و انتقال تجربه میان زنان کمک خواهد کرد.

تشکر و قدردانی

از تمامی کسانی که در انجام این پژوهش ما را همراهی کردند تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

موازین اخلاقی

در تمامی مراحل پژوهش حاضر اصول اخلاقی مرتبط با نشر و انجام پژوهش رعایت گردیده است.

Extended Abstract

Introduction

In the current socioeconomic landscape of Iran, the spouses of law enforcement personnel face a unique set of challenges that limit their participation in formal economic structures. Frequent relocations due to their partners' occupational obligations, a culture of institutional isolation, and lack of access to stable job opportunities are among the barriers preventing their economic independence and sustainable livelihood ([Ghaderzadeh & Bakhshian, 2019](#); [Hashemi, 2022](#)). These constraints not only intensify economic dependence but also expose these women to psychological strain, social exclusion, and long-term vulnerabilities.

Social entrepreneurship offers a dynamic and human-centered solution to such challenges by enabling individuals to participate in economic activities that simultaneously generate social value. Unlike traditional entrepreneurship, which is often profit-centric, social entrepreneurship is built upon the foundation of value creation, inclusiveness, and social impact ([Rosca et al., 2020](#); [Saebi et al., 2019](#)). The approach has been particularly effective in enhancing economic agency among marginalized groups such as women, individuals with disabilities, and low-income communities by providing them with tools, structures, and networks to resolve local problems creatively and sustainably ([Agarwal et al., 2020](#); [Fernandes & Pires, 2023](#)).

Numerous studies have underscored the potential of social entrepreneurship in empowering women, especially in developing contexts. For instance, research has shown that access to entrepreneurial platforms enables women to utilize their skills through home-based businesses, digital services, and cooperative activities, which significantly contributes to their economic autonomy and social status ([De Magdalene, 2024](#); [Stahl et al., 2023](#)). Moreover, social entrepreneurship fosters self-efficacy, emotional resilience, and community bonding — critical elements in navigating the constraints typically faced by women affiliated with military institutions ([Chatterjee et al., 2022](#); [Neessen et al., 2021](#)).

Despite this potential, the existing literature often focuses on generalized models of female entrepreneurship, overlooking the specific structural and cultural obstacles encountered by the spouses of military and police personnel. Previous models rarely account for occupational immobility, geographic displacement, and institutional dependency which characterize the daily realities of these women ([Dozandeh Ziabari et al., 2024](#); [Scuotto et al., 2023](#)). Furthermore, little scholarly attention has been paid to the role of technology, online labor markets, and psychological empowerment in the context of social entrepreneurship for military families ([Daskalopoulou et al., 2023](#); [Stahl et al., 2023](#)).

To bridge this gap, the present study sought to design a tailored model of social entrepreneurship that integrates psychological, technological, individual, social, and policy dimensions. This study was grounded in the belief that effective policy design must consider the unique identity, lived experiences, and capabilities of the target group. By doing so, it aims to offer a practical framework that can guide livelihood and employment policy development for the spouses of Iran's law enforcement personnel.

Methods and Materials

This study employed a qualitative, descriptive-analytical research design using the thematic analysis method proposed by Braun and Clarke (2006). Data were collected through semi-structured interviews with 18 participants, including university professors, senior managers of the Law Enforcement Command, and officials in charge of employment support programs. The sampling method was purposive, and data collection continued until theoretical saturation was reached at participant 16.

Initial interview questions were designed based on a literature review and document analysis. Each interview was recorded and transcribed, and content analysis was conducted using MAXQDA software to extract latent and manifest codes. Thematic analysis proceeded through six stages, including data familiarization, coding, theme generation, theme review, defining and naming themes, and finally, constructing the model. A total of 170 initial codes, 51 basic themes, 10 organizing themes, and 5 overarching themes were identified.

Findings

The analysis of the interviews led to the development of a five-dimensional model of social entrepreneurship tailored to the spouses of law enforcement personnel. The first overarching theme was *psychological and social roles*, which included enhancing self-confidence, promoting motivation through recognition, and improving community engagement. Participants emphasized that fostering a sense of belonging, measuring stress levels, and identifying internal barriers were vital for initiating entrepreneurial activities.

The second overarching theme, *attention to individual skills and capabilities*, involved recognizing current competencies, tailoring skill development to personal and regional needs, and providing real-world experiential learning. Participants identified personalized career path development, participation in simulated business environments, and engagement in social projects as effective strategies for skill cultivation.

The third theme, *supportive and governmental policies*, was operationalized through components such as access to financial assistance, tax exemptions, provision of business consultation, and establishment of empowerment centers. The model called for integrated inter-organizational collaboration among military, governmental, and nonprofit institutions to ensure sustainable support systems.

The fourth theme, *creating social and support networks*, emphasized the importance of mutual support groups, online communities, and shared learning platforms. This dimension also highlighted the role of culturally responsive mentorship programs, continuous needs assessment, and knowledge exchange mechanisms in strengthening collective identity and reducing social isolation. The fifth and final overarching theme was *use of technology and online occupations*, which included access to high-speed internet, digital literacy training, low-cost online entrepreneurship courses, and the creation of online job platforms. Participants advocated for developing job listings tailored to the

unique life conditions of military families, such as remote work, flexible hours, and skill-matched occupations. Attention was also given to cyber security, market trends, and privacy considerations. These five themes, taken together, constituted a comprehensive model for designing social entrepreneurship policies aimed at promoting the livelihood and employment of military spouses. The thematic structure offered both micro-level (individual) and macro-level (institutional and policy) pathways to implementation.

Discussion and Conclusion

The findings of this study underscore the necessity of adopting a multi-dimensional and context-sensitive approach to social entrepreneurship when addressing the livelihood needs of the spouses of law enforcement personnel. The model developed through this research not only accounts for the socioeconomic barriers faced by this group but also integrates their emotional, psychological, and communal realities into policy design.

One of the most salient insights from this study is the importance of psychological empowerment as a precondition for entrepreneurial engagement. Enhancing motivation, self-worth, and stress resilience emerged as foundational factors in promoting participation in social entrepreneurship. This aligns with contemporary theories of self-determination and emotional capital, which suggest that the inner belief in one's capabilities significantly influences economic behavior and risk-taking tendencies.

Another critical dimension of the model is the focus on individual skills and real-world learning. Recognizing that traditional vocational training often fails to address the lived experiences of military spouses, the model advocates for personalized, interest-driven, and context-aware capacity-building programs. These interventions not only equip women with tangible skills but also provide platforms for trial-and-error learning, which is essential for building entrepreneurial confidence.

Supportive policy infrastructures form the third pillar of the model. Governmental and organizational support in the form of financial resources, regulatory facilitation, and inter-institutional collaboration is essential to bridge the gap between individual intent and entrepreneurial action. The establishment of empowerment centers with clear, tiered objectives can serve as catalysts for transforming potential into sustainable ventures.

Creating supportive social networks and community-based learning environments emerged as equally vital. These networks reduce the sense of isolation commonly experienced by military families, foster peer learning, and encourage collective problem-solving. Through structured group participation, women gain access not only to information but also to emotional support, shared resources, and collaborative partnerships.

Finally, the integration of technology and digital platforms is indispensable in overcoming geographical and structural barriers. By leveraging online learning tools, remote work opportunities, and targeted job platforms, the model offers practical solutions to traditional limitations. The digital domain also opens new avenues for scaling impact, fostering innovation, and ensuring continuous learning.

Taken together, the model proposed in this study presents a coherent, pragmatic, and evidence-informed framework for empowering a highly underserved demographic. It emphasizes the need for policies that are empathetic, flexible, and technologically adaptive, while remaining grounded in the real-life challenges and aspirations of law enforcement families. By aligning individual capacity with institutional support and technological opportunity, the model holds promise not only for enhancing livelihood and employment but also for fostering broader social inclusion and resilience.

References

- Agarwal, S., Lenka, U., Singh, K. P., Agrawal, V., & Agrawal, A. M. (2020). A qualitative approach towards crucial factors for sustainable development of women social entrepreneurship: Indian cases. *Journal of Cleaner Production*, 274, 123135. <https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2020.123135>
- Baker, J. J., & Weerakoon, C. (2024). Deepening Insights into Social Entrepreneurship by Leveraging Service-Dominant Logic. *Journal of Social Entrepreneurship*, 1-32. <https://doi.org/10.1080/19420676.2024.2316801>
- Chambon, C. L., Karia, T., Sandwell, P., & Hallett, J. P. (2020). Techno-economic assessment of biomass gasification-based mini-grids for productive energy applications: The case of rural India. *Renewable Energy*, 154, 432-444. <https://doi.org/10.1016/j.renene.2020.03.002>
- Chatterjee, I., Cornelissen, J., & Wincent, J. (2021). Social entrepreneurship and values work: The role of practices in shaping values and negotiating change. *Journal of Business Venturing*, 36(1), 1-23. <https://doi.org/10.1016/j.jbusvent.2020.106064>
- Chatterjee, I., Dean, A., Shepherd, D. A., & Wincent, J. (2022). Women's entrepreneurship and well-being at the base of the pyramid. *Journal of Business Venturing*, 37(4), 106222. <https://doi.org/10.1016/j.jbusvent.2022.106222>
- Daskalopoulou, I., Karakitsiou, A., & Thomakis, Z. (2023). Social Entrepreneurship and Social Capital: A Review of Impact Research. *Sustainability*, 15(6), 4787. <https://doi.org/10.3390/su15064787>
- De Magdalene, P. (2024). Antecedents of women's social entrepreneurship: values development and the perceived desirability and feasibility of social venture creation. *International Journal of Gender and Entrepreneurship*, 16(1), 7-26. <https://doi.org/10.1108/IJGE-03-2023-0072>
- Dozandeh Ziabari, F., Fallah Tafti, H., Asadi, M., & Basooli, M. (2024). Providing a social entrepreneurship model in rural tourism development in target tourism villages of Gilan Province. *Quarterly Journal of Value Creation in Business Management*, 4(4), 1-23. https://www.google.com/url?sa=t&source=web&rct=j&opi=89978449&url=https://www.jvcbm.ir/article_198271.html&ved=2ahUKEwi28K-_uKQOAxXqS_EDHYW0NZUQFnoECA0QAQ&usg=AOvVaw0Z5RHfzCfB2fVCveWc_592
- Fazlipour, S. M., Moltafet, H., Navah, A. R., & Saadat Abadi, A. A. (2023). A meta-synthesis of social entrepreneurship development models. *Contemporary Sociological Research*, 23, 403-433. <https://www.google.com/url?sa=t&source=web&rct=j&opi=89978449&url=https://ensani.ir/fa/article/571345/>
- Fernandes, C., & Pires, R. A. R. (2023). Women in Social Entrepreneurship: Outlining the Boundaries of Scientific Research. *Journal of Social Entrepreneurship*, 1-24. <https://doi.org/10.1080/19420676.2023.2241477>
- Ghaderi, I., Karubi, M., Mahmoudzadeh, S. M., & Mansouri, A. (2024). Designing a social entrepreneurship model in the tourism industry with an emphasis on the entrepreneurship of people with disabilities. *Tourism and Development*, 13(2), 1-23. https://www.google.com/url?sa=t&source=web&rct=j&opi=89978449&url=https://www.itsairanj.ir/article_179400.html&ved=2ahUKEwiStbf3uKqOAxUIAtsEHS6bDuYQFnoECCAQAQ&usg=AOvVaw2iuHD4_uBdC9hTDtI2JXxz
- Ghaderzadeh, O., & Bakhshian, R. H. (2019). Contexts and implications of social order: A qualitative study of NAJA employees. *Strategic Research on Social Issues*, 8(1), 61-84. https://www.google.com/url?sa=t&source=web&rct=j&opi=89978449&url=https://ssoss.ui.ac.ir/article_24060.html&ved=2ahUKEw9qAuaqOAxUIAtsEHS6bDuYQFnoECBcQAQ&usg=AOvVaw1mtexR5uaq4RjtHNI-WyX9
- Hashemi, S. S. (2022). Explaining the role and position of the police force in exercising sovereignty to meet the public's security needs from the perspective of the Supreme Commander. *National Security*, 12(44), 397-424. https://www.google.com/url?sa=t&source=web&rct=j&opi=89978449&url=https://ns.sndu.ac.ir/article_2162.html&ved=2ahUKEwjpilaQuaqOAXVRA9sEHXRnGX0QFnoECBAQAQ&usg=AOvVaw1KKDaGjO45Ugg8q1ObGpqc
- Kalalian Moghadam, H., Maharti, Y., Ashrafi, M., & Khorakian, A. (2021). Designing a native social entrepreneurship model in Iran with a data-driven approach. *Social Sciences of Ferdowsi University of Mashhad*, 18(1), 97-133. <https://www.google.com/url?sa=t&source=web&rct=j&opi=89978449&url=https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1840446/>
- Karimi, F., Mokhtari Bayegholaei, M., Kiakajouri, D., & Agha Ahmadi, G. (2023). Presenting a successful model of women's entrepreneurship with a focus on social justice. *Islamic lifestyle with a focus on health*, 7(1), 386-397. <https://www.google.com/url?sa=t&source=web&rct=j&opi=89978449&url=https://sid.ir/paper/1130930/fa&ved=2ahUKEwj104W7uqaqOAXWlZAIHHYtfHtoQFnoECBgQAQ&usg=AOvVaw2RIK4ajifNPJphjKKUTgij>
- Lee, K., Edward, M., & Catherine, W. (2020). Does Household Electrification Supercharge Economic Development? *Journal of Economic Perspectives*, 34(1), 122-144. <https://doi.org/10.1257/jep.34.1.122>

- Moradzadeh, M., Keshtegar, A. A., & Imani, A. M. (2024). Designing a model for explaining the social responsibilities of universities with a social entrepreneurship approach. *International Journal of Nonlinear Analysis and Applications*, 15(5), 57-75. <https://www.google.com/url?sa=t&source=web&rct=j&opi=89978449&url=https://ensani.ir/fa/article/551789/>
- Neessen, P. C. M., Voinea, C. L., & Dobber, E. (2021). Business Models of Social Enterprises: Insight into Key Components and Value Creation. *Sustainability*, 13(22), 12750. <https://doi.org/10.3390/su132212750>
- Palacios-Marqués, D., García, M. G., Sánchez, M. M., & Mari, M. P. A. (2019). Social entrepreneurship and organizational performance: A study of the mediating role of distinctive competencies in marketing. *Journal of Business Research*, 101, 426-432. <https://doi.org/10.1016/j.jbusres.2019.02.004>
- Patnaik, S., & Jha, S. (2020). Caste, class and gender in determining access to energy: A critical review of LPG adoption in India. *Energy Research & Social Science*, 67, 101530. <https://doi.org/10.1016/j.erss.2020.101530>
- Rahimi, S., Sadat Naseri, N., & Faribrazi, E. (2022). Designing a model for social entrepreneurship development with a social capital approach (Case study: Imam Khomeini Relief Committee of Fars Province). *Monthly Journal of Political Sociology in Iran*, 5(5), 161-187. https://www.google.com/url?sa=t&source=web&rct=j&opi=89978449&url=https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1906752&ved=2ahUKEWjukoXBUqqOAXB9gIHHW_TKIQQFnoECBgQAQ&usg=AOvVaw1U3MGUll9gcpryBskRLKbK
- Rivna, A., & Gress, M. (2022). Social entrepreneurship as a new business model. The case of refugee integration. *Economic Research-Ekonomska Istraživanja*, 36(1), 1-19. <https://doi.org/10.1080/1331677X.2022.2120044>
- Rosca, E., Agarwal, N., & Brem, A. (2020). Women entrepreneurs as agents of change: A comparative analysis of social entrepreneurship processes in emerging markets. *Technological Forecasting and Social Change*, 157, 120067. <https://doi.org/10.1016/j.techfore.2020.120067>
- Saebi, T., Foss, N. J., & Linder, S. (2019). Social entrepreneurship research: Past achievements and future promises. *Journal of Management*, 45(1), 70-95. <https://doi.org/10.1177/0149206318793196>
- Scuotto, V., Tzanidis, T., Usai, A., & Quaglia, R. (2023). The digital humanism era triggered by individual creativity. *Journal of Business Research*, 158, 113709. <https://doi.org/10.1016/j.jbusres.2023.113709>
- Stahl, G., Burnard, P., & McDonald, S. (2023). Exploring the Experiences of Women Social Entrepreneurs: Advancing Understandings of 'Emotional Capital' in Women-only Networks. *Feminist Review*, 134(1), 86-103. <https://doi.org/10.1177/01417789231166417>